

## رابطه علی ادراک سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری کارکرد سبک‌های تفکر دانشجویان دختر

هوشنگ گراوند<sup>۱</sup>، حمیده پاک‌مهرا<sup>۲</sup>، صادق حامدی‌نسب<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه علی سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری سبک‌های تفکر به‌روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۲۵۰ نفر از ایشان برای گروه نمونه انتخاب شدند. اطلاعات پژوهش بااستفاده از پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری بامریند، جهت‌گیری مذهبی آلپورت و فیگن و سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر جمع‌آوری شد. نتایج نشان‌دهنده برازش مناسب آزمون مدل باتوجه به شاخص‌های برازندگی بود و نتایج آزمون بوت استراپ برای مسیر سبک فرزندپروری مقتدرانه به جهت‌گیری مذهبی درونی از طریق میانجی‌گری سبک تفکر قضایی معنی‌دار بود. همچنین نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سبک تفکر قضایی و سبک تفکر اجرایی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بود. همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر منفی بر سبک تفکر اجرایی داشت و سبک فرزندپروری مستبدانه دارای اثر مثبت بر سبک تفکر اجرایی بود؛ سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه دارای اثر مثبتی بر مذهب بیرونی بود، سبک تفکر قانون‌گذارانه بر مذهب درونی دارای اثر منفی و سبک تفکر قضایی اثر مثبتی بر مذهب درونی داشت. براین اساس، می‌توان گفت که سبک تربیتی مقتدرانه بر انتخاب سبک تفکر فرزندان تأثیر دارد و سبب درونی‌سازی ارزش‌ها و معارف دینی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** سبک‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی، سبک‌های تفکر،

دانشجویان.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵  
۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

Email: garavand.h@lu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: h.pakmehr@imamreza.ac.ir

۳. دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، ایران.

Email: Hamedin.11@gmail.com

## The Causal Relationship of Conceiving Parenting Styles and Religious Orientation with the Mediation of the Functions of Girl Students' Thinking Styles

Houshang Garavand<sup>1</sup>, Hamideh Pakmehr<sup>2</sup>, Sadegh Hamedinasab<sup>3</sup>

This correlational research was conducted with the purpose of investigating the causal relationship of conceiving parenting styles and religious orientation with the mediation of the functions of thinking styles with a quasi-experimental method. The population was all undergraduate girl students of Ferdowsi University of Mashhad, and 250 girls were randomly selected as the sample. The data were gathered with Baumrind's parenting styles questionnaire, Allport's and Figen's religious orientation scale, and Strenberg's and Wagner's thinking styles questionnaire. The results showed that according to the fit indices, there is an appropriate fit of the model test. The results of bootstrap test were meaningful for the path of authoritarian parenting style to internal religion through the mediation of judicial thinking style. Moreover, authoritarian parenting style has a positive and significant effect on both judicial thinking style and executive thinking style. Careless parenting style has a negative effect on executive thinking style, and autocratic parenting style has a positive effect on executive thinking style. In addition, careless parenting style has a positive effect on external religion, legal thinking style has a negative effect on internal religion, and judicial thinking style has a positive effect on internal religion. Therefore, it can be said that authoritarian parenting style influences the choice of children's thinking style and causes the internalization of religious values and knowledge.

**Keywords:** parenting styles, religious orientation, thinking styles, students.

---

### Paper Type: Research

**Data Received:** 2021 / 08 / 28    **Data Revised:** 2022 / 01 / 10    **Data Accepted:** 2022 / 01 / 15

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Human Sciences, Lorestan University, Khoramabad, Iran.

Email: garavand.h@lu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

Email: h.pakmehr@imamreza.ac.ir

3. Ph.D. in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Science and Psychology, University of Birjand, Iran.

Email: hamedin.111@gmail.com

## ۱. مقدمه

اسلام برنامه سالم‌سازی است و این سلامت در سایه تسلیم در برابر مشیت الهی و اجرای دستورات و قوانین حیات بخش او به دست می‌آید. (آقایانی چاوشی، طالبیان، طرخورانی، صدقی جلال، فتحی آشتیانی و آرزوی، ۱۳۸۷) دین، رشد اخلاقی و رفتار مسئولانه اجتماعی را آموزش می‌دهد (دیو، ۲۰۱۹). دین در قرآن کریم حدود نود بار به کار رفته و معانی مختلفی مانند جزا و حساب، کیش و شریعت، دین اسلام، رسم و قانون، حکم و فرمان، دعا و عبادت و آیین یگانه‌پرستی را به خود گرفته است (سرمدی، ۱۳۸۸). اگر دین به معنای رسم، قانون، حکم و فرمان باشد والدین نقش کلیدی درونی‌سازی هنجارها، قوانین، ارزش‌های دینی و اخلاقی فرزندان را به عهده دارند (مارتینز، گارسیا، ویگ، گارسیا، رودریگز و سارا، ۲۰۲۰<sup>۲</sup>). تئوری اکولوژی نشان می‌دهد که زمینه‌های خاص یا محیط‌هایی که کودکان در آن تربیت می‌شوند بر نتایج هم‌زمان آنها و بسیاری از فاکتورهای روانی، شناختی، اجتماعی و به‌ویژه گرایش به مذهب تأثیر می‌گذارد (هی، آسامی، ریکیمارو و جیانگ، ۲۰۲۱<sup>۳</sup>).

مذهب، مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها و نیایدها و ارزش‌های اختصاصی یا تعمیم یافته است که معنای زندگی را در سراسر زندگی فراهم می‌کند. (بهرامی احسان، ۱۳۸۰) فرزندان دیدگاه‌های مذهبی خود را با نظارت والدین رشد می‌دهند و این مورد بر جهت‌گیری مذهبی<sup>۴</sup> آنها تأثیر می‌گذارد (مانیر، مالیک و عباس، ۲۰۱۹<sup>۵</sup>). جهت‌گیری مذهبی، دیدگاهی فردی در مورد موقعیت دین در زندگی است و به دو نوع بیرونی و درونی تقسیم می‌شود. افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند به دلیل کسب منافع شخصی، رفتار مذهبی از خود بروز می‌دهند، ولی افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند با اعتقاد صادقانه به تعالیم مذهبی، اعمال آنها نیز منبعث از عقیده و علم باطنی آنها نسبت به مذهب بوده و در واقع، مذهب با فرد زندگی می‌کند (مانیر و مالیک، ۲۰۲۰<sup>۶</sup>). براساس نظریه آلپورت<sup>۷</sup> مذهب درونی، مذهبی فراگیر با

1. Du, Y.
2. Martinez, I., Garcia, F., Veiga, F., Garcia, O. F., Rodrigues, Y., & Serra, E.
3. He, H., Usami, S., Rikimaru, Y., & Jiang, L.
4. Religious Orientation
5. Munir, A., Malik, J., & Abbas, G.
6. Munir, A., & Malik, J.
7. Allport



اصول سازمان یافته و درونی شده است، ولی مذهب بیرونی، امری خارجی و ابزاری برای رضای نیازهای فردی مانند مقام و امنیت است (کمری سنقرآبادی و فتح آبادی، ۱۳۹۱). از دیدگاه آلپورت، کسی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد با مذهبش زندگی می‌کند؛ درحالی‌که افرادی با جهت‌گیری بیرونی برای رسیدن به اهداف دیگر به سمت مذهب می‌روند (حکمی، شمس اسفندآباد و شامحمدی، ۱۳۹۰).

نظریه پردازان بعدی در این حوزه با انتقاد از نظریه آلپورت سعی کرده‌اند تا دیدگاهی متعادل مطرح کنند. پارگامنت<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است جهت‌گیری مذهبی را می‌توان در قالب هدف و وسیله، براساس رویکرد مذهبی به زندگی طبقه‌بندی کرد. تیلیوپولوس، بیکر، کوکسون و هاوکین<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) براساس تحلیل ساختار عاملی، جهت‌گیری مذهبی آلپورت (مبتنی بر انتقاد پارگامنت) را به سه طبقه: جهت‌گیری درونی، جهت‌گیری بیرونی اجتماعی و جهت‌گیری بیرونی فردی تقسیم کردند. باتوجه به آنچه که ذکر شد، آیا امکان به‌کارگیری رویکرد پژوهشی آلپورت در جوامع مسلمین وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که مفهوم دین‌داری درونی آلپورت چنین امکانی را فراهم می‌کند؛ زیرا مفهوم‌سازی وی درباره این انگیزه دینی تا حدودی با این عقیده که اسلام هیچ تمایزی بین ابعاد روحانی و سکولار قائل نیست، سازگاری دارد (موقرایی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵). در یک مقیاس دین‌داری درونی که با فرهنگ جوامع مسلمان سازگار شده باشد، می‌توان به چهار مؤلفه سالم و متعادل جسمانی، اجتماعی، عقلانی و روحانی در زندگی اشاره کرد (قربانی، واتسون، زارعی و شاه‌محمدی، ۲۰۱۰). برای مثال، سخنان امام علی علیه السلام رهبر دینی مسلمین پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مورد انواع عبادت با جهت‌گیری‌های دینی آلپورت قابل تطبیق است (ر.ک.، نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۳۷). امام علی علیه السلام عبادت را به سه سنخ تقسیم می‌کند: «عبادت ناشی از ترس، عبادت ناشی از کسب و عبادت ناشی از میل به سپاس» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۳۷). نزدیک به این مضمون از دیگر پیشوایان مانند امام حسین علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. براساس سخنان امام علی علیه السلام عبادت از روی ترس (بردگان) و کسب (بازرگان) روی‌آوری

1. Pargament, K. I.  
2. Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P., & Hawkin, P. K.  
3. Moughrabi, F.  
4. Ghorbani, N., Watson, P., Zarehi, J., & Shamohammadi, K.

ابزارگرایانه به دین است. عبادت برای این دو گروه، ابزاری است برای رسیدن به اهداف دیگر. روی آوردن بردگان به عبادت برای دوری از دوزخ است و روی آوردن بازرگانان به دین برای نزدیکی به فردوس، اما آزادگان نه از روی ترس و نه از روی میل به کسب چیزی به سمت خداوند می‌روند؛ هدف آنها تقدس و سپاس از خداست. برای این گروه، عبادت فعالیت خودمختار است نه ابزاری برای اهدافی دیگر. زیربنای مفهومی و نظری که زمینه‌ساز عینی‌سازی نوعی دین‌داری و ساخت مقیاس برای آن است بدون شک در الگوی ارتباطی دین‌داری با دیگر سازه‌های روان‌شناختی نقش دارد. برای مثال، سخت‌رویی، سازه شخصیتی است که پیامدهای جسمی و روان‌شناختی مثبتی دارد (مددی، کوشابا، هاروی و رسورکسین،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱). کوباسا، مدی و زولا<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) ارتباطی منفی بین سخت‌رویی و دین‌داری براساس فراوانی حضور در کلیسا به دست آوردند. برپایه پیشینه پژوهشی در دو حیطه دین‌داری درونی و سخت‌رویی به نظر می‌رسد که در افراد دین‌دار، سخت‌رویی با دین‌داری درونی ارتباط مثبت و با دین‌داری بیرونی ارتباط معکوس دارد.

یکی از عوامل مؤثر بر جهت‌گیری مذهبی افراد شیوه فرزندپروری والدین است. از دیدگاه اسلامی، مسئولیت فرزندپروری برعهده پدر و مادر است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند». استراتژی‌های تربیتی استفاده شده والدین با فرزندان که با نام سبک‌های فرزندپروری یاد می‌شود ساختاری روان‌شناختی است (کاپنز و سیولمانز،<sup>۳</sup> ۲۰۱۹؛ ناهیتیا، مانوهاری و ویجایا،<sup>۴</sup> ۲۰۱۹؛ چکا و ابوندیس-گاتینرز،<sup>۵</sup> ۲۰۱۸) و مانند جوی احساسی توصیف می‌شود که در آن والدین با فرزندان خود ارتباط برقرار کرده یا با آنها تعامل دارند (بیبی، حیات، حیات، دوالفقار، شفیق و خالد،<sup>۶</sup> ۲۰۲۱). محققان سبک‌های مختلفی را در شیوه تربیتی والدین ارائه داده‌اند. در مطالعه‌ای از چهار نمونه سبک مستبدانه، سهل‌گیرانه، طردکننده و مقتدرانه یاد شده (هایک، تیوئنی، اشنايدر و وریئس،<sup>۷</sup> ۲۰۲۱) و از متداول‌ترین

1. Maddi, S. R., Khoshaba, D. M., Harvey, R. H., Fazel, M., & Resurreccion, N.
2. Kobasa, S. C., Maddi, S. R., & Zola, M. A.
3. Kuppens, S., & Ceulemans, E.
4. Sahithya, B. R., Manohari, S. M., & Vijaya, R.
5. Checa, P., & Abundis-Gutierrez, A.
6. Bibi, A., Hayat, R., Hayat, N., Zulfiqar, S., Shafique, N., & Khalid, M. A.
7. Hayek, J., Tueni, M., Schneider, F., & de Vries, H.



سبک‌ها، سبک‌های مبتنی بر ابعاد بامریند<sup>۱</sup> است. وی باتوجه به رابطه بین مطالبه‌گری و پاسخ‌گویی، سه شکل از سبک‌های فرزند‌پروری اقتدارگرا، استبدادی و سهل‌گیر<sup>۲</sup> را مطرح کرده است (احمدی و کاظمی، ۲۰۲۱).

روش تربیتی اسلام براساس توحیدمداری و ولایت‌مداری است. والدین مسئول، تربیت فرزندان خود را بر محور توحید قرار می‌دهند و از فرزندانشان می‌خواهند که در آثار صنع الهی بیندیشند. در میان سبک‌های فرزند‌پروری مطرح شده در روان‌شناسی، فرزند‌پروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش تربیتی به روش اسلام است؛ زیرا والدین مقتدر با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار و با ابراز محبت به فرزندان خود رابطه خود را با آنان مستحکم می‌کنند (آقایانی جاوشی، و همکاران، ۱۳۸۷). دیدگاه‌های مذهبی فرزندان به شدت از والدین تأثیر می‌گیرد (مانیر، و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، ادراکی که افراد از شیوه‌های تربیتی و فرزند‌پروری والدین خود دارند نقش مهمی در جهت‌گیری مذهبی آنها دارد. صیدی (۱۳۹۳) در پژوهش خود دریافت که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک فرزند‌پروری مقتدرانه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. وفاپور، مولایی‌پارده، مرادی و کریمی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که بین سبک فرزند‌پروری مقتدرانه و جهت‌گیری مذهبی رابطه مثبت و معنادار است. نتایج مطالعه خلیلی‌فر، کاظمی و جاویدی (۱۳۹۲) حاکی از تأثیر سبک فرزند‌پروری والدین بر سبک جهت‌گیری مذهبی دانش‌آموزان بود.

براساس مبانی نظری، جهت‌گیری مذهبی افراد علاوه بر اینکه به‌طور مستقیم با ادراک شیوه‌های فرزند‌پروری ارتباط دارد به‌صورت غیرمستقیم نیز تحت تأثیر سبک‌های تفکر آنهاست. محققان سبک‌های تفکر را به‌صورت چارچوب‌های ذهنی تعریف می‌کنند که یادگیرندگان را قادر به پردازش اطلاعات می‌کند. (هلمز، لیدن و شاین، ۲۰۱۳) در منابع اسلامی بسیار به تفکر دعوت شده و افکار مفیدی که مطرح شده است عبارتند از: تفکر در خدا، طبیعت، خویشتن، تاریخ. شیوه تفکر نیز اهمیت دارد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد (صباغ کرمانی، ۱۳۹۵). براساس مبانی نظری، والدین اقتدارگرا علاوه بر داشتن مجموعه‌ای از قوانین و انتظارات واضح در مورد رفتار و عملکرد فرزندانشان، هم‌زمان خواستار و پاسخ‌گوی فرزندان

1. Baumrind  
2. authoritative, authoritarian, and permissive  
3. Holmes, R. M., Liden, S., & Shin, L.

خود هستند (ایکسونگ، لی و اکسیا، ۲۰۲۰<sup>۱</sup>)، اما در سبک استبدادی، والدین بیشتر مطالبه‌گر و کمتر پاسخ‌گو هستند (استر، سالس و اگارا، ۲۰۱۹<sup>۲</sup>). در سبک سوم نیز والدین بیشتر به نیازهای فرزندان اهمیت می‌دهند و انتظار کمتری از آنها دارند (الدافری، الراجهی، الخروسی، الحرصی، الراشدی، الحرابی، ۲۰۲۰). بنابراین، نوع سبک فرزندپروری در راهبردهای شناختی، تنظیم هدف، نوع تفکر و سایر مهارت‌های شناختی فرزندان نقش مهمی دارد (دیویسارینی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰؛ مک‌مول و اشکنازی، ۲۰۱۹<sup>۵</sup>). ادراک سبک‌های فرزندپروری والدین علاوه بر اینکه به طور مستقیم با جهت‌گیری مذهبی فرزندان رابطه دارد به صورت غیرمستقیم و با تأثیر بر سبک‌های تفکر<sup>۶</sup> جهت‌گیری مذهبی را سوق می‌دهد. از نظر میشل<sup>۷</sup> (۲۰۲۱) معانی ویژه‌ای که افراد برای چارچوب اعمال، انگیزه‌ها و اعتقادات مذهبی خود اتخاذ می‌کنند بر اساس پیوستاری سازمان یافته است که به شدت تحت تأثیر تفکر آنها بوده است. سبک‌های تفکر در واقع، ترجیحی است که فرد در طی پردازش شناختی از خود نشان می‌دهد (توننو، براست-رنک، روکر، فولگیاتو و پاچکو، ۲۰۲۱<sup>۸</sup>) و به گفته استرنبرگ<sup>۹</sup> فرآیندی برای حل مسئله یا طرح جواب است (اگاروال و رنی، ۲۰۲۰<sup>۱۰</sup>). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ۱۳ سبک تفکر قابل تمیز به صورت سه سبک کلی هستند (زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۵). سبک‌های تفکر نوع اول، مولد خلاقیت و شامل سبک‌های قانونی، قضایی، سلسله مراتبی، کلی و آزاداندیشی است. سبک تفکر نوع دوم شامل آن دسته از سبک‌هاست که فرد را به تبعیت از هنجار رهنمون ساخته و مشتمل بر سبک‌های اجرایی، جزئی، شاهانه و محافظه‌کارانه است. سبک‌های بی‌قانونی، جرگه‌سالاری، درونی و بیرونی نیز سبک تفکر نوع سوم را تشکیل می‌دهند. این سبک می‌تواند با توجه به موقعیت، ویژگی‌های سبک یک یا دو را شامل شود (مسلمان، عطادخت و مهدوی، ۱۳۹۹).

علوی لنگرودی، صالح‌زاده و منتظری هدش (۱۳۹۴) دریافتند که بین جهت‌گیری مذهبی

1. Xiong, R., Li, S. D., & Xia, Y.
2. Calzada, E. J., Sales, A., & O'Gara, J. L.
3. Aldhafri, Alrajhi, M., Alkharusi, H., Al-Harthy, I., Albarashdi, H. S., & Alhadabi
4. Dwisarini, N. M. S.
5. Macmull, M. S., & Ashkenazi, S.
6. Thinking Styles
7. Michaels, J. L.
8. Tonetto, L. M., Brust-Renck, P. G., Ruecker, S., Fogliatto, F. S., & Pacheco, D. A. D. J.
9. Sternberg
10. Agarwal, N., & Rani, P.
11. Zhang, L. F., & Sternberg, R. J.

درونی و بیرونی با سبک مقابله مسئله مدار همبستگی مثبتی وجود دارد. یعقوبی، پاک و کرد (۱۳۹۸) نیز دریافته‌اند که بین سبک شناختی با جهت‌گیری مذهبی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین دریافته‌اند که تجربه‌گرایی و خردگرایی رابطه معناداری با مؤلفه مذهب‌گرایی، ارزنده‌سازی و کام‌جویی دارد. در پژوهش سیتامورانگ و سلیم (۲۰۲۱) سبک‌های تفکر، واسطه رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و خودکارآمدی بودند. همچنین در مطالعه حسینی، حاجی‌زادگان و طاهری فر (۱۳۹۹) سبک‌های تفکر در ارتباط بین هوش و خلاقیت نقش میانجی‌گری داشت. رحمت‌زهی، خزایی و جوادیان (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های تفکر با شیوه‌های حل مسئله دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج مطالعه گراوند، حسینی و سلطانی احمدچالی (۱۳۹۰) نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه با مؤلفه‌های سبک‌های تفکر قابل پیش‌بینی هستند. قدومی‌زاده و فولادچنگ (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی دریافته‌اند که جهت‌گیری گفت‌وگوشنود با واسطه جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده به بهبود تفکر انتقادی می‌انجامد.

باتوجه به مطالب مطرح‌شده و نقش محیط تربیت و خانواده در گرایش به مذهب فرزندان، ادراک افراد از شیوه‌های فرزندپروری با تأثیر برگزینش سبک تفکر، روی جهت‌گیری مذهبی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، باتوجه به مرور یافته‌ها و مبانی نظری، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه علی بین ادراک سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری‌های مذهبی با میانجی‌گری کارکرد سبک‌های تفکر دانشجویان دختر انجام و این سؤال اصلی مطرح شد که آیا سبک‌های تفکر در ارتباط بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری با جهت‌گیری‌های مذهبی دختران نقش واسطه‌ای دارد یا نه.

## ۲. شیوه اجرای پژوهش

### ۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه علی سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری سبک‌های تفکر به روش غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با شاخص‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار،



کجی، کشیدگی) و همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و با نرم افزارهای SPSS ۲۲ و نرم افزار AMOS ۲۴ انجام شد.

## ۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۲۵۰ نفر از ایشان برای گروه نمونه انتخاب شدند. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی ساختاری بسیار مهم است. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری، توافق کلی وجود ندارد (شریبر، ۲۰۰۶؛ به نقل از حبیبی، ۱۳۹۱)، ولی به‌گفته کلاین<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر قابل دفاع است. براساس قاعده سرانگشتی کلاین، حجم نمونه پژوهش حاضر ۲۵۰ نفر تعیین شد (برای جلوگیری از ریزش حجم نمونه تعداد ۲۷۰ پرسش‌نامه توزیع شد) که این نمونه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی برحسب دانشکده انتخاب و ابزارهای پژوهش بر روی آنها اجرا شد. بدین منظور، پرسش‌نامه‌های پژوهش در قالب یک بسته شامل: اطلاعات جمعیت‌شناسی و گویه‌های پرسش‌نامه‌ها تهیه شد. سپس با مراجعه به کلاس‌ها و با استفاده از وقت اضافی و فرصت آزاد دانشجویان، پرسش‌نامه‌های تحقیق در اختیار دانشجویان قرار گرفت و در همان جلسه پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل جمع‌آوری شد. ملاحظات اخلاقی پژوهش عبارتند از: بیان اصل رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی، آزاد بودن آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش. تحلیل داده‌های پژوهش به‌طور کلی به آزمودنی‌ها توضیح داده شد که در صورت تمایل به اطلاع از نتیجه تحقیق، آدرس پست الکترونیکی خود را پرسش‌نامه‌ها درج کنند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تحصیل در دانشگاه فردوسی مشهد، مؤنث بودن و تمایل داشتن برای مشارکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل تمایل نداشتن به همکاری و تکمیل پرسش‌نامه‌ها به صورت ناقص و نامعتبر بود.

## ۲-۳. ابزار پژوهش

### ۲-۳-۱. پرسش نامه سبک فرزندپروری بامریند

این مقیاس توسط بامریند (۱۹۶۷) تهیه شده و سه سبک فرزندپروری یعنی، سبک فرزندپروری منطقی، سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک فرزندپروری آسان‌گیر را می‌سنجد. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ گویه (برای هر سبک ۱۰ گویه) در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت دارد. این پرسش‌نامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) استفاده شده است و پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه برای سبک آسان‌گیر ۰/۶۹، سبک استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش شده است.

### ۲-۳-۲. پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و فیگن<sup>۱</sup>

این پرسش‌نامه ابتدا توسط آلپورت ارائه شد که شامل ۲۰ گویه (جهت‌گیری بیرونی ۱۱ گویه و جهت‌گیری درونی ۹ گویه) بود. سپس فیگن<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) با اضافه کردن یک گزینه دیگر که همبستگی بالایی (۰/۶۱) با جهت‌گیری بیرونی داشت، نسخه ۲۱ گویه‌ای آن را معرفی کرد. بدین ترتیب ۱۲ گویه این پرسش‌نامه مربوط به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ گویه آن مربوط به جهت‌گیری مذهبی درونی است که در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. پایین‌ترین نمرات مربوط به افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی و بالاترین نمرات مربوط به افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی است. در مطالعه اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری مذهبی بیرونی با درونی ۰/۲۱ است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷؛ به نقل از پرتو، ۱۳۹۴). این آزمون در سال ۱۳۷۸ توسط جان بزرگی (به نقل از پرتو، ۱۳۹۴) ترجمه و هنجاریابی شده است. پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش شده و اعتبار نسخه فارسی آن نیز توسط خداپناهی و خاکسار (۱۳۸۴) مطلوب گزارش شده است.

### ۲-۳-۳. پرسش‌نامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر<sup>۳</sup> (۱۹۹۲)

پرسش‌نامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) دارای ۵۶ گویه است که در طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. استرنبرگ و همکاران برای بررسی پایایی این پرسش‌نامه مطالعات مفصلی انجام دادند که ضریب پایایی خرده‌آزمون‌ها از ۰/۵۶ برای سبک اجرایی تا ۰/۸۸ برای سبک کلی با میانگینی برابر ۰/۷۸ به دست آمده است.

1. Allport & Feagan
2. Feagan
3. Allport & Ross
4. Sternberg & Wagner



برای روایی پرسش‌نامه سبک‌های تفکر، استرنبرگ و همکاران از تحلیل عاملی استفاده کردند که ۵ عامل را با قدرت تبیین ۰/۷۰ واریانس و با معرفی عامل اول شامل سبک‌های محافظه‌کاری، اجرایی، آزادمنش و قانون‌گذاری؛ عامل دوم شامل سبک‌های قضایی، گروه‌سالاری؛ عامل سوم شامل سبک بیرونی و سبک درونی؛ عامل چهارم شامل سبک جزئی و سبک کلی و عامل پنجم شامل سبک سلسله‌مراتبی را گزارش کردند. مهدوی شکیب (۱۳۹۰) فرم سبک‌های تفکر را هنجاریابی و برای احراز روایی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی استفاده کرد که ۴ عامل با قدرت تبیین ۰/۷۷ شناسایی شد. عامل اول شامل سبک‌های قانونی، گروه‌سالاری، هرج‌ومرج‌سالاری، کلی، جزئی، درونی؛ عامل دوم شامل سبک‌های اجرایی، قضایی و سلسله‌مراتبی؛ عامل سوم شامل سبک‌های تک‌سالاری و محافظه‌کارانه و عامل چهارم شامل سبک‌های بیرونی و آزادمنشانه بود. وی برای بررسی پایایی از روش پایایی بازآزمایی استفاده کرده که این ضریب برابر ۰/۹۲ به دست آمد و میانگین ضرایب آلفای کرانباخ خرده‌آزمون‌ها برابر ۰/۶۴ گزارش شد.

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### جدول ۱

#### جامعه آماری و نمونه پژوهش

نمونه	جامعه	طبقات جامعه (دانشکده)	گروه
۴۹	۱۶۲۹	ادبیات و علوم انسانی	علوم انسانی و تربیت بدنی
۲۷	۸۹۰	الهیات و معارف اسلامی	
۶	۱۳۶	تربیت بدنی و علوم ورزشی	
۳۲	۱۱۵۲	علوم تربیتی و روان‌شناسی	
۳۰	۱۰۰۴	علوم اداری و اقتصادی	
۱۵	۴۹۰	علوم ریاضی	علوم پایه و ریاضی
۱۹	۶۴۷	علوم پایه	
۲۵	۸۵۱	کشاورزی	فنی-مهندسی
۸	۲۳۳	معماری و شهرسازی	
۹	۳۰۲	منابع طبیعی و محیط زیست	
۳۰	۹۸۹	مهندسی	
۲۵۰	۸۳۲۴	جمع	

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد به نسبت جمعیت، بیشترین حجم نمونه (۴۹ نفر) مربوط به دانشکده ادبیات و علوم انسانی و کمترین حجم نمونه (۸ نفر) مربوط به دانشکده معماری و شهرسازی بود.

## جدول ۲

### ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. سبک مقتدرانه	۱							
۲. سبک سهل‌گیرانه	۰/۲۲**	۱						
۳. سبک مستبدانه	-۰/۴۱**	۰/۰۸	۱					
۴. سبک قانون‌گذارانه	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۶	۱				
۵. سبک اجرایی	۰/۰۷	-۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۲۲**	۱			
۶. سبک قضایی	۰/۳۲**	۰/۰۶	-۰/۱۲	۰/۳۳**	۰/۳۷**	۱		
۷. مذهب درونی	۰/۱۷**	-۰/۰۶	-۰/۰۰۲	-۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۱۷**	۱	
۸. مذهب بیرونی	۰/۰۱۵	۰/۱۸**	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۳	-۰/۱۴*	۱
میانگین	۳۰/۶۹	۱۷/۱۵	۱۲/۵۷	۲۰/۳۴	۲۴/۷۳	۳۱/۴	۲۹/۹۸	۳۲/۱۳
انحراف استاندارد	۵/۸۴	۵/۴۲	۶/۳۷	۳/۵۷	۴/۴۵	۴/۹۲	۴/۳۲	۵/۹۸
کجی	-۱/۲۴	-۰/۱۰	۰/۶۴	-۰/۴۱	-۰/۲۲	-۰/۶۸	-۰/۱۴	۰/۱۷
کشیدگی	۲/۴۵	-۰/۱۷	۰/۷۵	-۰/۰۱	-۰/۱۹	۱/۳۷	-۰/۰۰۶	۰/۱۵

\*\* $p < 0/05$  \* $p < 0/01$

برای بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش، ابتدا پیش فرض‌های آماری بررسی شد. نتایج نشان داد که متغیرهای پژوهش همگی قدر مطلق ضریب کجی کوچک‌تر از ۲ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۱۰ داشت. بنابراین، براساس نظر کلاین (۲۰۱۵) تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نبود. دو شاخص آماره تحمل<sup>۱</sup> و عامل تورم واریانس<sup>۲</sup> برای تعیین میزان همپوشی متغیرهای برون‌زا محاسبه شد. اگر شاخص تحمل کوچک‌تر از یک، شاخص تورم کوچک‌تر از ده باشد، می‌توان گفت که از مفروضه‌های رگرسیون تخطی صورت نگرفته است. براساس نتایج، تمام ضرایب در سطح قابل قبولی بود و شاخص تحمل برای تمام متغیرهای پیش‌بین کوچک‌تر از ۵/۲۳ و شاخص تورم واریانس کوچک‌تر از

1. Tolerance

2. Variance inflation factor (VIF)

۲/۱۳ به دست آمد. آماره‌های توصیفی، ماتریس همبستگی صفرمرتب‌ه و ضرایب آلفای کرونباخ در جدول ۲ ارائه شده است. یافته‌ها نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با سبک تفکر قضایی و مذهب درونی رابطه مثبت و معنی دار و بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با مذهب بیرونی رابطه مثبت و معنی دار برقرار است. همچنین بین سبک تفکر قضایی و مذهب درونی رابطه مثبت و معنی دار به دست آمد.

### جدول ۳

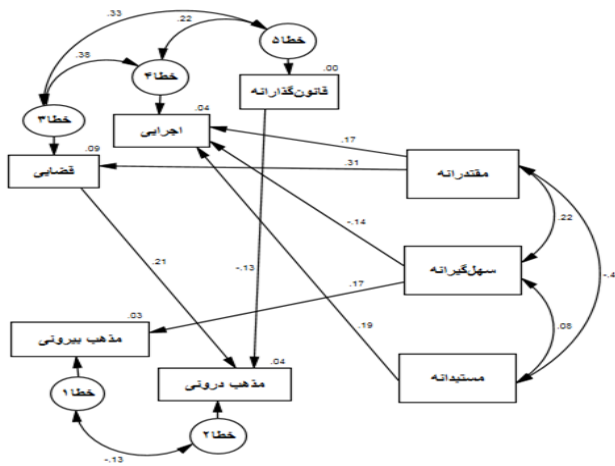
#### شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده

شاخص	$\chi^2$	Df	P	df/ $\chi^2$	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	TLI
اصلاح شده	۳/۹۰	۴	۰/۴۱۹	۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹	۰/۹۸	۱/۰۰	۰/۹۶	۱/۰۰	۱/۰۰

پس از اجرای مدل ساختاری، مدل تجربی و قابل استفاده به دست آمد. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی مدل مفروض پیشنهادی بررسی شد. در زمان آزمون مدل، درجه آزادی صفر مشاهده شد (به دلیل اشباع شدن مدل). به عبارت دیگر در این مدل تعداد پارامترهای آزاد با تعداد عناصر مجزا در ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده برابر بود. بنابراین، شاخص‌های برازندگی محاسبه نشد. ضرایب مسیر توسط AMOS برآورد و معنی داری آماری آنها نیز مشخص می‌شود و در نهایت، مسیرهای غیرمعنادار از نمودار حذف شده و برازش مدل انجام می‌گیرد (میرزا، گامست‌گارین، ۱۳۹۱). براساس برآوردهای انجام شده، ضریب مربوط به مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شد. از آنجاکه در تحلیل مسیر، شاخص‌های زیادی برای سنجش برازندگی مدل وجود دارد در پژوهش حاضر از روش حداکثر احتمال برای برآورد مدل و از پنج شاخص مطلق یعنی، مجذور خی ( $X^2$ )، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی ( $DF/X^2$ )، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) و سه شاخص نسبی یعنی، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص توکر-لویس (TLI) و برازندگی هنجار شده بنتلر- بانث (NFI) استفاده شد. ملاک‌های CFI، TLI، GFI و NFI شاخص‌هایی است که بین ۰ تا ۱ گسترده‌اند و هرچه به یک نزدیک‌تر باشند، بهتر است. ملاک  $X^2$  عدم معنی داری است، ولی به دلیل حساسیت زیاد به حجم نمونه، معنی داری

آن قابل انتظار است و در صورت معنی داری، بهتر است به شاخص  $DF/X^2$  رجوع شود. مطلوب است این شاخص زیر ۳ باشد. ملاک RMSEA یعنی، مهمترین شاخص برازش در سه سطح در نظر گرفته شده است: ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ قابل قبول، ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ مطلوب و زیر ۰/۰۶ عالی است (کلین، ۲۰۱۵). برای بررسی روابط غیرمستقیم مسیرها از روش بوت استراپ<sup>۱</sup> استفاده شد. همان گونه که جدول ۳ نشان می دهد الگوی پیشنهادی اصلاح شده باتوجه به شاخص های برازندگی، برازشی خیلی خوب دارد.

مدل ساختاری مورد آزمون و مدل های اندازه گیری پژوهش در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: ضرایب استاندارد مدل مفهومی پژوهش

#### جدول ۴

##### برآوردهای تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

فرضیه	سطح معنی داری P	نسبت بحرانی	برآورد استاندارد $\beta$	برآورد غیراستاندارد	ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
تأیید	۰/۰۰۱	۵/۳۷	۰/۳۱	۰/۲۵۷	۰/۰۴	سبک قضایی		سبک مقتدرانه
تأیید	۰/۰۱۴	۲/۴۵	۰/۱۷	۰/۱۲۸				سبک مقتدرانه
تأیید	۰/۰۱۸	-۲/۳۶	-۰/۱۴	-۰/۱۲	۰/۰۹	سبک اجرایی		سبک سهل گیرانه
تأیید	۰/۰۰۳	۲/۹۷	۰/۱۹	۰/۱۳۳				سبک مستبدانه
تأیید	۰/۰۰۷	۲/۷۲	۰/۱۷	۰/۱۸۶	۰/۰۳	مذهب بیرونی		سبک سهل گیرانه
تأیید	۰/۰۴۲	-۲/۰۳	-۰/۱۳	-۰/۱۵۹	۰/۰۴	مذهب درونی		سبک قانون گذارانه
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۲	۰/۲۱	۰/۱۸۳				سبک قضایی

1. Bootstrap

در جدول ۴ ضرایب اثر مستقیم و سطح معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. همان‌گونه که نتایج شکل ۱ و جدول ۴ نشان می‌دهد سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سبک تفکر قضایی و تفکر اجرایی اثر مثبت و معنی‌دار دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر منفی بر سبک تفکر اجرایی و سبک فرزندپروری مستبدانه اثر مثبت بر سبک تفکر اجرایی دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر مثبت بر مذهب بیرونی دارد. سبک تفکر قانون‌گذارانه اثر منفی بر مذهب درونی و سبک تفکر قضایی اثر مثبتی بر مذهب درونی دارد.

#### جدول ۵

##### برآورد مسیرهای غیرمستقیم موجود در مدل با استفاده از بوت استرپ

سطح معناداری P	حد پایین	حد بالا	مقدار برآورد	مسیر		
				متغیر پیش‌بین	متغیر واسطه	متغیر ملاک
۰/۰۰۲	۰/۰۲۱	۰/۱۲۰	۰/۰۶۴	سبک مقتدرانه	سبک قضایی	مذهب درونی

جدول ۵ نتایج حاصل از روش بوت‌استرپ در برنامه ماکرو، آزمون پریچر و هیز (۲۰۰۸) را برای روابط واسطه‌ای نشان می‌دهد. براساس یافته‌های این جدول، نتایج آزمون بوت‌استرپ برای مسیر سبک فرزندپروری مقتدرانه به مذهب درونی با میانجی‌گری سبک تفکر قضایی باتوجه به اینکه در این مسیر صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، معنی‌دار است.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

سعادت دنیوی و اخروی فرزند در گروه تربیت صحیح اوست و این امر مهم با اتخاذ سبک‌های فرزندپروری صحیح توسط والدین محقق می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل رابطه علی بین ادراک سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی با میانجی‌گری کارکرد سبک‌های تفکر دانشجویان دختر انجام شد. یافته‌ها نشان داد که از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه بر سبک تفکر قضایی و اجرایی، اثر مثبت و معنی‌دار دارد. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه، اثر مثبتی بر سبک تفکر اجرایی



دختران دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های رحمت‌زهی و همکاران (۱۳۹۶)، گراوند و همکاران (۱۳۹۰) و بامریند (۱۹۹۱) است.

دیویسارینی (۲۰۲۰) معتقد است که نوع سبک فرزندپروری، عامل مهمی در نوع تفکر و سایر مهارت‌های شناختی فرزندان است. در سبک اقتدارگرایان، فرزندان، مهارت‌های استدلالی و گرایش به سبک‌های تفکر زاینده و خلاق را کسب می‌کنند (ایکسیونگ، و همکاران، ۲۰۲۰). در سبک سهل‌گیرانه با توجه به مطالبه‌گری پایین والدین و مسامحه در واگذاری مسئولیت به کودکان، فرزندان نابالغ بوده و سطوح بالای شناختی را تجربه نمی‌کنند (الدافری، و همکاران، ۲۰۲۰). در سبک استبدادی نیز فرزندان منفعل بوده و تفکر آنها از نوع تحلیلی و پردازشی نیست (استر، و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، با توجه به ویژگی‌های تربیتی در شیوه مختلف فرزندپروری، ترجیح نوع تفکر فرزندان وابسته به ادراک افراد از شیوه‌های فرزندپروری والدین است. بامریند (۱۹۹۱) بر این باور است که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب رشد می‌کنند، شاد و سرحال و خود راهبر هستند، سوگیری جنسیتی کمتری نشان می‌دهند، دخترها در استقلال و میل به تسلط یافتن بر مهارت‌های جدید و پسرها در رفتار دوستانه و یاری‌گرانه، نمره‌های بالایی کسب می‌کنند. بنابراین، طبیعی است که سبک‌های تفکری که مولد خلاقیت است و به پردازش اطلاعات پیچیده‌ای نیاز دارند با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت و معناداری داشته باشند. آقایانی چاوشی و همکاران (۱۳۸۷) نیز دریافته‌اند که فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین سبک تربیتی به روش اسلام است؛ زیرا والدین مقتدر با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار و با ابراز محبت به فرزندان خود رابطه خود را با آنها مستحکم می‌کنند.

براساس نظر بامریند (۱۹۶۷) والدینی که این سبک را به کار می‌برند توجه خوبی به فرزند دارند. آنها با وجود کنترل و نظارت، برای تصمیمات فرزند خود احترام قائلند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). توقع والدین مقتدر با توانایی فرزندان در پذیرفتن رفتارهای خود متناسب است. از این رو، کودکان را متقاعد می‌کنند که افراد با کفایتی هستند. بنابراین، فرزندان به تکالیفی می‌پردازند که به خلاقیت و نوآوری نیاز داشته باشد که از مشخصه تفکر قضایی است (استرنبرگ، ۱۹۹۷). یافته‌ها نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، اثر منفی بر سبک تفکر



اجرائی دارد. این یافته، ناهمسو با پژوهش‌های قبلی است (ر.ک.، فان و ژانگ، ۲۰۱۴<sup>۱</sup>؛ سیتمرنگ و سالیم، ۲۰۲۱<sup>۲</sup>). در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که با فرزندان خود با مسامحه برخورد می‌کنند اطاعت‌پذیری فرزندان کاهش پیدا می‌کند و این سهل‌انگاری اثر منفی بر تفکر اجرائی دارد. استرنبرگ (۲۰۰۲) معتقد است که در سبک مستبدانه، والدین شیوه تربیتی تنبیهی را برمی‌گزینند و فرزندان را در تمام زمینه‌ها محدود می‌کنند درحالی‌که والدین سهل‌گیر، فرد را رها می‌کنند، اما در سبک مقتدرانه با وجود نظارت و کنترل، رابطه عاطفی صمیمانه بین والدین و فرزندان حاکم است (پرامودیانی، ۲۰۲۱<sup>۳</sup>). براین اساس، سبک‌های تفکر افراد به شدت تحت تأثیر ادراک سبک‌های فرزندپروری است. رحمت‌زهی و همکاران (۱۳۹۶) معتقدند شناخت سبک‌های تفکر و متغیرهای مربوط به آن امری ضروری است؛ زیرا بسیاری از تفاوت‌ها در عملکرد افراد را به جای نسبت دادن به توانایی‌ها می‌توان به سبک‌های تفکر آنها نسبت داد. بنابراین، سبک‌های فرزندپروری والدین نقش مهمی در سبک‌های تفکر فرزندان دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک تفکر قانون‌گذارانه، اثر منفی بر جهت‌گیری مذهبی درونی می‌گذارد که این یافته ناهمسو با پژوهش‌های پیشین بود. (ر.ک.، علوی لنگرودی، و همکاران، ۱۳۹۴؛ یعقوبی، و همکاران، ۱۳۹۸؛ نعیمی، کاظمی و دهقان، ۱۳۹۵) نعیمی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که بین باورهای غیرمنطقی با جهت‌گیری بیرونی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری درونی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. در تبیین تأثیر منفی سبک تفکر قانون‌گذار بر جهت‌گیری مذهب درونی، می‌توان گفت که افراد با سبک تفکر قانون‌گذارانه در تکالیفی موفق هستند که نیاز به خلاقیت و آزادی عمل دارد؛ چون در دین، نیاز به پیروی از دستورات و فرامین الهی است. این امر باعث می‌شود افراد با سبک تفکر قانون‌گذار، تکالیف را به موقع انجام ندهند که باعث کاهش جهت‌گیری دینی درونی می‌شود. دین برنامه‌ای است از طرف خداوند برای متعبد کردن انسان‌ها. مسئله خلاقیت اگرچه در تعبد به خداوند نقش دارد و بدون اموری چون حافظه و استعداد، هدف نهایی انسان یعنی، تقرب به خداوند میسر نیست، اما از آنجاکه این امور، داده‌های

1. Fan, J., & Zhang, L. F.
2. Situmorang, D. D. B., & Salim, R. M. A.
3. Pramudyani, A. V. R.



تکوینی خداوند است که در قالب خلقت و ساختار آفرینش وجودی انسان در نهاد او نهفته شده است، پس می‌توان گفت که توانایی کشف و شناخت این مسائل نیاز به نیروی علمی زیادی ندارد (مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، ۱۴۰۰).

علاوه بر موارد ذکر شده، اظهارات استرنبرگ در زمینه سبک‌های تفکر در دوره‌های مختلف، کلیدی و راهگشاست. وی معتقد است که سبک‌های تفکر در مقاطع تحصیلی مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. در بسیاری از دانشگاه‌ها، دانشجویان سال‌های اول تا حدود زیادی برای سبک اجرایی، جزئی و محافظه‌کارانه تشویق می‌شوند در حالی که در مورد دانشجویان سال‌های بالاتر، سبک قضایی نسبت به سبک اجرایی اهمیت بیشتری می‌یابد. هنگامی که دانشجویان وارد دوره‌های بالاتر تحصیلات تکمیلی یا تحقیقاتی می‌شوند بیشتر برای ایده‌های خلاق، تشویق می‌شوند؛ یعنی بیشتر سبک قانون‌گذارانه اهمیت می‌یابد. به طور کلی، دانشجویان دوره‌های بالاتر نسبت به دانشجویان دوره‌های پایین‌تر، بیشتر قانون‌گذار و آزادمنش بارمی‌آیند (استرنبرگ، ۱۹۹۷). از آنجاکه جامعه آماری مورد مطالعه پژوهش حاضر، دانشجویان مقطع کارشناسی بود، پس می‌تواند دلیلی بر رابطه مذکور باشد.

یافته‌ها نشان داد که سبک تفکر قضایی، اثر مثبتی بر جهت‌گیری مذهبی درونی دارد. این یافته همسو با پژوهش‌های (هو و چنگ، ۲۰۲۰؛ یعقوبی، ۲۰۰۰ و همکاران، ۱۳۹۸) است. یک فرد با سبک قضایی، بیشتر توجه خود را بر ارزیابی بازده فعالیت‌های دیگران متمرکز می‌کند (جوکیک و پوریک، ۲۰۱۹). همچنین افراد با سبک تفکر قضایی در تکالیفی موفق هستند که نیاز به تحلیل، نقد و ارزیابی داشته باشد. از آنجاکه تکالیف و مسائل دینی نیاز به تحلیل و ارزیابی بسیار دارند، افرادی که چنین سبک تفکری دارند مذهب درونی بالاتری نیز دارند. یافته‌ها نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، اثر مثبتی بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد. این یافته با پژوهش‌های پیشین (ر.ک.، صیدی، ۱۳۹۳؛ وفاپور، ۲۰۰۰ و همکاران، ۱۳۹۸) همسو و با برخی دیگر از پژوهش‌ها (ر.ک.، خلیلی‌فر، ۲۰۰۰ و همکاران، ۱۳۹۲) ناهمسو بود. صیدی (۱۳۹۳) دریافت که بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سبک فرزندپروری استبدادی و آسان‌گیر رابطه معناداری وجود دارد و

1. Hu, X., & Cheng, S.  
2. Jokić, B., & Purić, D.

هرچه جهت‌گیری فرد بیرونی تر باشد والدین از سبک فرزندپروری استبدادی و آسان‌گیر استفاده می‌کنند. براساس مبانی نظری، والدین سهل‌گیر از نظر مطالبه و کنترل در سطح پایین و از نظر پاسخ‌گویی در سطح بالایی قرار دارند. بنابراین، فرزندان که با چنین سبکی پرورش می‌یابند جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند. فرزندان که با سبک‌های سهل‌گیرانه تربیت می‌شوند به احتمال زیاد جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند تا اینکه تحت تأثیر نیروی درونی مذهب باشد. به عبارت دیگر، جهت‌گیری مذهبی بیرونی نشان‌دهنده سبک سهل‌گیرانه تربیتی والدین است.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه به واسطه سبک تفکر قضایی با جهت‌گیری مذهبی درونی ارتباط دارد. این یافته ناهمسو با پژوهش قدومی‌زاده و فولادچنگ (۱۳۹۴) است. آنها دریافتند که جهت‌گیری مذهبی بیرونی به طور مثبت و جهت‌گیری مذهبی درونی به طور منفی گرایش به تفکر انتقادی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج بررسی واسطه‌گری نیز نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود با واسطه جهت‌گیری مذهبی بیرونی به بهبود تفکر انتقادی می‌انجامد. این درحالی است که هم‌نوایی خانواده با واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی درونی به کاهش تفکر انتقادی می‌انجامد. سینامورانگ و سلیم (۲۰۲۱) معتقدند فرایندهای شناختی به شدت از سبک‌های فرزندپروری تأثیر می‌گیرند و سبک‌های مختلف فرزندپروری، فاکتوری بیرونی بوده و به طور غیرمستقیم بر سبک تفکر فرزندان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، ادراک افراد از شیوه‌های فرزندپروری با تأثیر بر گزینش سبک تفکر آنها بر جهت‌گیری مذهبی آنها تأثیر می‌گذارد. باتوجه به یافته‌های حاصل و باتوجه به اینکه سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سبک‌های تفکر قضایی و اجرایی تأثیر مثبت داشت، می‌توان گفت که باتوجه به تأکید اسلام بر سبک تربیتی اقتدارگرایانه، والدین به جای اتخاذ سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه، فرزندان خود را به شیوه اقتدارگرایانه تربیت کنند. به اعتقاد مانیر و همکاران (۲۰۲۰) رفتار افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی در راستای کسب منافع شخصی بوده و مذهب در خدمت نیازهای افراد است درحالی که اعمال افراد با جهت‌گیری درونی، منبعث از عقیده و علم باطنی آنها نسبت به مذهب بوده و اعتقادشان به تعالیم مذهبی، درونی است. بنابراین، می‌توان این‌گونه برداشت



کرد که گرایش خانواده‌ها به سمت سبک‌های تربیتی مقتدرانه باعث تأثیر بر انتخاب سبک‌های تفکر فرزندان و در نهایت، درونی‌سازی ارزش‌ها و معارف دینی می‌شود و افراد براساس عقاید و باورهای خود به احکام و رفتارهای دینی پایبند خواهند بود. در صورتی که شیوه سهل‌گیرانه در تربیت فرزندان نه تنها باعث انجام رفتارهای مذهبی نمی‌شود، بلکه جهت‌گیری مذهبی بیرونی را شکل می‌دهد و مذهب منبعث از یک حس درونی نیست. باتوجه به اینکه دانشجویان دختر، مادران فردای جامعه و عهده‌دار تربیت فرزندان هستند، می‌توان از تلویحات چنین مطالعاتی در راستای بهبود سبک‌های فرزندپروری آنها و حفظ و درونی‌سازی ارزش‌های دینی نیز بهره برد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از ابزارهای خودگزارشی بود که ممکن است شرکت‌کنندگان به دلیل سوگیری آگاهانه و ناآگاهانه پاسخ‌های خود را تحریف کرده باشند. همچنین باتوجه به محدود شدن جامعه آماری به دختران دانشگاه فردوسی مشهد لازم است تا در تعمیم‌دهی نتایج به گروه پسران و سایر گروه‌ها احتیاط شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی بر روی سایر جوامع انجام شود تا مقایسه و تعمیم نتایج ممکن گردد. همچنین، بررسی سایر متغیرهای شناختی و انگیزشی در مطالعات مشابه بعدی پیشنهاد می‌شود.

### فهرست منابع

۱. آقایانی چاوشی، اکبر، طالبیان، داوود، طرخورانی، حمید، صدقی جلال، هما، فتحی آشتیانی، علی، و آرزوی، هاله (۱۳۸۷). بررسی رابطه نماز با جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. *نشریه علوم رفتاری*، ۲(۲)، ۱۴۹-۱۵۶.
۲. بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت‌گیری مذهبی. *نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۱(۱)، ۶۷-۹۰.
۳. حبیبی، آرش (۱۳۹۱). *آموزش کاربردی نرم‌افزار لیزرل: مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. حسینی، مهتاب سادات، حاجی‌زادگان، مرضیه، و طاهری فر، زهرا (۱۳۹۹). نقش میانجی‌گری سبک‌های تفکر در رابطه هوش و خلاقیت. *نشریه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۱(۴)، ۲۲۷-۲۴۳.
۵. حکمی، محمد، شمس اسفندآباد، حسن، و شامحمدی، فاروق (۱۳۹۰). مقایسه صفات شخصیت، تکانشگری و جهت‌گیری مذهبی در میان افراد عادی و زندانیان. *نشریه پژوهش اجتماعی*، ۱۴(۴)، ۱۰۵-۱۱۸.
۶. خلیلی فر، مینا، کاظمی، سلطانعلی، و جاویدی، حجت‌الله (۱۳۹۲). مطالعه تأثیر سبک فرزندپروری والدین بر سبک جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان. *نشریه تربیت تبلیغی*، ۱۱(۱)، ۵۷-۸۳.
۷. رحمت‌زهی، خدانظر، خزایی، عبدالحکیم، و جوادیان، جواد (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله در دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان خاش. *نشریه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*، ۱۰(-)، ۵۷-۶۴.
۸. سرمدی، محمود (۱۳۸۸). *واژگان پژوهی قرآنی*. قم: نورالهدی.
۹. سیدرضی (۱۳۸۷). *نهج‌البلاغه*. مترجم: امامی، جعفر. قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام).
۱۰. صباغ کرمانی، لیدا (۱۳۹۵). سبک تفکر اسلامی، مقدمه سبک زندگی اسلامی. *مجموعه مقالات دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*. تهران: بی‌نا.

۱۱. صیدی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک‌های فرزندپروری به‌کارگرفته شده در تربیت فرزندان. *مجموعه مقالات کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: بی‌نا.
۱۲. عباسی، مهدی، و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی. *نشریه روان‌شناسی دین*، ۳(۲)، ۵-۱۸.
۱۳. علوی لنگرودی سید کاظم، صالح‌زاده مریم، و منتظری هدش، مریم (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و گرایش به تفکر انتقادی با راهبردهای مقابله با استرس در دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد. *نشریه طلوع بهداشت*، ۵(۱۴)، ۱۶۲-۱۷۲.
۱۴. قدومی‌زاده، فاطمه، و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۴). واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی دانشجویان در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و گرایش به تفکر انتقادی. *نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۳۲.
۱۵. کمری سنقرآبادی، سامان، و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۹۱). بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی و امید به زندگی در میزان رضایت از زندگی. *نشریه پژوهش‌های نوین*، ۷(۲۸)، ۱۶۳-۱۸۲.
۱۶. گراوند، هوشنگ، حسینی، سید علی اکبر، و سلطانی احمدچالی، یاسر (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر با ادراک سبک‌های فرزندپروری والدین در دانشجویان. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی روان‌شناسی*. تهران: بی‌نا.
۱۷. مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم (۱۴۰۰). *سامانه پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات*. مشاهده شده در <https://www.pasokh.org/fa/question/view/10796>
۱۸. مسلمان، مهسا، عطادخت، اکبر، و مهدوی، علی (۱۳۹۹). بررسی میزان دانش عصب‌شناختی، سبک‌های تفکر و ترجیح سبک تدریس معلمان مدارس ابتدایی شهرستان آمل. *نشریه پیش در آموزش علوم انسانی*، ۵(۱۹)، ۱۰۱-۱۱۸.
۱۹. نعیمی، ابراهیم، کاظمی، زینب، و دهقان، کبری (۱۳۹۵). تحلیل کانونی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و باورهای غیرمنطقی در سالمندان. *نشریه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۲۳(۱۶)، ۱۷۹-۱۹۹.
۲۰. وفاپور، حسنا، مولایی یارده، علی، مرادی، آسیه، و کریمی، پروانه (۱۳۹۸). نقش سبک‌های فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی والدین در پیش‌بینی هوش معنوی فرزندان آنها. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۱(۱۸)، ۱۳۷-۱۴۲.
۲۱. یعقوبی، حسن، پاک، راضیه، و کرد، هیله (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سبک شناختی با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۸(۵)، ۵۷-۶۴.
22. Agarwal, N., & Rani, P. (2020). Thinking Styles: An Overview. *International Journal of Art & Higher Education*, 4(2), 1-3.
23. Ahmadi, E., & Kazemi, S. A. (2021). The Relationship between Weight Efficacy Life Style Dimensions and Perceived Parental Styles Dimensions with Psychological Well-being in Students. *Journal of Research and Health*, 11(2), 123- 130.
24. Aldhafri, S., Alrajhi, M., Alkharusi, H., Al-Harthy, I., Albarashdi, H. S., & Alhadabi, A. (2020). Parenting Styles and Academic Self-Efficacy Beliefs of Omani School and University Students. *Education Sciences*, 10(9), <https://doi.org/10.3390/educsci10090229>
25. Bibi, A., Hayat, R., Hayat, N., Zulfiqar, S., Shafique, N., & Khalid, M. A. (2021). Impact of Parenting Styles on Psychological Flexibility Among Adolescents of Pakistan: A Cross-Sectional Study. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 39, 313-322
26. Calzada, E. J., Sales, A., & O'Gara, J. L. (2019). Maternal depression and acculturative stress impacts on Mexican-origin children through authoritarian parenting. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 63, 65- 75.
27. Checa, P., & Abundis-Gutierrez, A. (2018). Parenting styles, academic achievement and the influence of culture. *Psychology and Psychotherapy: Research Study*, 1(4), 1-3.
28. Du, Y. (2019). Developing an integrated biosocial theory to understand juvenile delinquency: from the social, cognitive, affective, and moral (scam) perspectives. *International Journal of Contemporary Pediatrics*, 6(2), 897- 903.

29. Dwisarini, N. M. S. (2020). Direct and indirect effects of parenting style, self-efficacy, and achievement motivation on science learning achievement of junior high school students. *JURNAL PENDIDIKAN SAINS (JPS)*, 8(1), 32- 40.
30. Fan, J., & Zhang, L. F. (2014). The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*, 32, 204- 211.
31. Ghorbani, N., Watson, P., Zarehi, J., & Shamohammadi, K. (2010). Muslim extrinsic cultural religious orientation and identity: Relationships with social and personal adjustment in Iran. *Journal of Beliefs & Values*, 31(1), 15- 28.
32. Güner, P., & Erbay, H. N. (2021). Prospective mathematics teachers' thinking styles and problem-solving skills. *Thinking Skills and Creativity*, DOI:10.1016/j.tsc.2021.100827
33. Hayek, J., Tueni, M., Schneider, F., & de Vries, H. (2021). Parenting style as longitudinal predictor of adolescents' health behaviors in Lebanon. *Health Education Research*, 36(1), 100- 115.
34. He, H., Usami, S., Rikimaru, Y., & Jiang, L. (2021). Cultural Roots of Parenting: Mothers' Parental Social Cognitions and Practices from Western US and Shanghai/China. *Frontiers in Psychology*, doi: 10.3389/fpsyg.2021.565040
35. Holmes, R. M., Liden, S., & Shin, L. (2013). Children's Thinking Styles, Play, and Academic Performance. *American Journal of Play*, 5(2), 219- 238.
36. Hu, X., & Cheng, S. (2020). Religious orientation, religious involvement, and religious coping predict university students' thinking styles. *British Journal of Religious Education*, 1-13. <https://doi.org/10.1080/01416200.2020.1867960>
37. Jokić, B., & Purić, D. (2019). Relating rational and experiential thinking styles with trait emotional intelligence in broader personality space. *Europe's journal of psychology*, 15(1), 140- 157.
38. Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford publications.
39. Kobasa, S. C., Maddi, S. R., & Zola, M. A. (1983). Type A and hardiness. *Journal of behavioral medicine*, 6(1), 41- 51.
40. Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181.
41. Macmull, M. S., & Ashkenazi, S. (2019). Math anxiety: The relationship between parenting style and math self-efficacy. *Frontiers in psychology*, 10, doi: 10.3389/fpsyg.2019.01721
42. Maddi, S. R., Khoshaba, D. M., Harvey, R. H., Fazel, M., & Resurreccion, N. (2011). The personality construct of hardiness, V: Relationships with the construction of existential meaning in life. *Journal of Humanistic Psychology*, 51(3), 369- 388.
43. Martinez, I., Garcia, F., Veiga, F., Garcia, O. F., Rodrigues, Y., & Serra, E. (2020). Parenting styles, internalization of values and self-esteem: A cross-cultural study in Spain, Portugal and Brazil. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17, doi:10.3390/ijerph17072370
44. Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. California: Sage publications.
45. Michaels, J. L. (2021). Individual Differences in Religious Motivation Influence How People Think. *Journal for the scientific study of religion*, 60(1), 64-82.
46. Moughrabi, F. (1995). *Islam and religious experience*. Handbook of religious experience.

47. Munir, A., & Malik, J. A. (2020). Mediating role of religious orientation and moral character for the relationship between parent and peer attachment and delinquency. *Cogent Psychology*, 7(1), 1761042.
48. Munir, A., Malik, J., & Abbas, G. (2019). Development, validation, and psychometric evaluation of a comprehensive instrument measuring morality (CIMM). *TPM*, 26(1), 76- 91.
49. Pargament, K. I. (2001). *The psychology of religion and coping: Theory*. New York: Guilford press.
50. Pramudyani, A. V. R. (2021). Jurnal Obsesi: Jurnal Pendidikan Anak USIA Dini. *Jurnal Obsesi: Jurnal Pendidikan Anak USIA Dini*, 5(1), 51- 59.
51. Sahithya, B. R., Manohari, S. M., & Vijaya, R. (2019). Parenting styles and its impact on children-a cross cultural review with a focus on India. *Mental Health, Religion & Culture*, 22(4), 357- 383.
52. Situmorang, D. D. B., & Salim, R. M. A. (2021). Corrigendum to “Perceived parenting styles, thinking styles, and gender on the career decision self-efficacy of adolescents: how & why? *Heliyon*, 7(4), 12-25.
53. Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P., & Hawkin, P. K. (2007). The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport’s religious orientation dimensions. *Personality and Individual Differences*, 42(8), 1609- 1620.
54. Tonetto, L. M., Brust-Renck, P. G., Ruecker, S., Fogliatto, F. S., & Pacheco, D. A. D. J. (2021). Differences in thinking styles across professionals with different academic backgrounds when developing a product. *Architectural Engineering and Design Management*, 17(2), 3- 16.
55. Xiong, R., Li, S. D., & Xia, Y. (2020). A longitudinal study of authoritative parenting, juvenile delinquency and crime victimization among Chinese adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 17(4), doi: 10.3390/ijerph17041405
56. Zhang, L. F., & Sternberg, R. J. (2005). A threefold model of intellectual styles. *Educational psychology review*, 17(1), 1- 53.

